

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

f in t 1515 www.azizibank.af

## از عاملان آتش‌زدن رنج‌های پولیس باز پرس صورت گیرد تره‌خیل: از طریق رسانه‌ها خبر شدم



صفحه ۶

## مشرانو جرگه: د مشرف وروستی څرگندونې د افغانستان حقانیت ثابتوي



صفحه ۶

## آگاهان روابط بین‌الملل: برخوردها با دستگاه دیپلماسی قومی و سلیقه‌یی است



صفحه ۶

## وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث: برای مبارزه با حوادث طبیعی برنامه ملی تدوین می‌شود



صفحه ۳

## برخورد دوگانه با افراد ملاتره‌خیل و جنرال دوستم



صفحه ۲

## فعالان مدنی: روند اصلاحات انتخاباتی مبهم است



صفحه ۳

## کاخ سفید؛ فرصتی دوباره در برابر افغانستان

صفحه ۲

احمد عمران

# کاخ سفید؛ فرصتی دوباره در برابر افغانستان



**دولت افغانستان باید بتواند در گفت‌وگوهایی که با وزیر دفاع جدید امریکا دارد، این کشور را قناعت دهد که ضمن تجهیز و تأمین نیازمندی‌های نیروهای امنیتی کشور، به ابعاد بیرونی جنگ افغانستان نیز به صورت جدی توجه کند. پاکستان بی‌مهابا وارد قلمرو افغانستان شده و حتی تهدید کرده که برای بازداشت مخالفان مسلح خود، دست به عملیات نظامی در خاک این کشور خواهد زد. هنوز واقعا مشخص نیست که پاکستان مخالفانی داشته باشد که نیروهایش در داخل خاک افغانستان علیه آن‌ها فعالیت کنند. بسیار احتمال دارد که این کشور به بهانه سرکوب مخالفان مسلح خود، به کمک طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی بیاید و این چیزی نیست که دور از انتظار هم باشد!**

اصلی تداوم جنگ در افغانستان را حضور نیروهای خارجی می‌دانند، نباید از این واقعیت‌های تلخ به ساده‌گی عبور کنند. ما خواهان خروج نیروهای خارجی از کشورمان هستیم، ولی زمانی که افغانستان از حضور تروریست‌های بین‌المللی و تهدیدهای همسایه‌های آن، عاری شده باشد. دولت افغانستان باید بتواند در گفت‌وگوهایی که با وزیر دفاع جدید امریکا دارد، این کشور را قناعت دهد که ضمن تجهیز و تأمین نیازمندی‌های نیروهای امنیتی کشور، به ابعاد بیرونی جنگ افغانستان نیز به صورت جدی توجه کند. پاکستان بی‌مهابا وارد قلمرو افغانستان شده و حتی تهدید کرده که برای بازداشت مخالفان مسلح خود، دست به عملیات نظامی در خاک این کشور خواهد زد. هنوز واقعا مشخص نیست که پاکستان مخالفانی داشته باشد که نیروهایش در داخل خاک افغانستان علیه آن‌ها فعالیت کنند. بسیار احتمال دارد که این کشور به بهانه سرکوب مخالفان مسلح خود، به کمک طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی بیاید و این چیزی نیست که دور از انتظار هم باشد! در سال‌هایی که طالبان به صورت جهشی در افغانستان شهرها را تسخیر می‌کردند، عملا در میدان‌های نبرد نظامیان پاکستانی قرار داشتند. شواهد و اسناد زیادی در این رابطه وجود دارد که نشان می‌دهند عامل اصلی پیروزی طالبان در آن سال‌ها چه بوده است.

در حال حاضر با آمدن وزیر دفاع تازه امریکا به افغانستان، این فرصت بار دیگر در اختیار دولت ما قرار گرفته که از امکانات جهانی به نفع تأمین صلح و امنیت استفاده کند. اگر سفر جنرال جمیز ماتیس به افغانستان نتایج و دستاوردهای ملموسی در پی نداشته باشد، به این معناست که دولت‌مردان ما نتوانسته‌اند تصویر واقعی از وضعیت کشور ارایه کنند و مقام‌های امریکایی را قناعت دهند که وقت بیشتری را برای مبارزه با دهشت‌افکنی در افغانستان اختصاص دهند.

نیروهای خارجی است. حزب اسلامی شاخه حکمتیار که به تازگی با دولت به توافق رسیده، به این نظر است که با بیرون شدن آخرین سرباز خارجی از افغانستان، جنگ در این کشور نیز پایان می‌یابد. اما داشتن چنین تصویری از جنگ افغانستان اگر نگوئیم ابلهانه، می‌توان گفت که بسیار سطحی به نظر می‌رسد. شاید یکی از دلایل جنگ فعلی، حضور سربازان خارجی باشد؛ ولی این تمام دلایلی که گروه‌های افراطی و تمامیت‌خواه را به جنگ در افغانستان وادار می‌کند، نیست. بیرون شدن سربازان خارجی در شرایط فعلی به هیچ صورت به نفع افغانستان بوده نمی‌تواند. چه کسی از این مسئله خوشحال شود چه ناراحت، واقعیت جنگ در افغانستان چنین است و نمی‌تواند به ساده‌انگاری و تقلیل‌گرایی به حل معادله رویارویی‌های نظامی در این کشور موفق شد.

جنگ افغانستان ابعاد زیادی دارد که حضور سربازان خارجی، فقط یکی از آن‌ها و شاید هم کوچک‌ترین‌شان باشد. این سخنان به هیچ صورت به معنای حمایت از حضور سربازان خارجی در افغانستان نیست، ولی با همه تلخی آن باید پذیرفت که در عدم حضور سربازان خارجی، حتی سنگ روی سنگ هم بند نخواهد ماند. زیرا مخالفان مسلح دولت افغانستان، تنها دشمن غربی‌ها و سربازان‌شان نیستند، بلکه آن‌ها با نوع نظام موجود از ریشه مخالف اند و تمام تلاش و سعی‌شان برای آن است که بتوانند این نظام و ارزش‌های آن را از بیخ برکنند. حضور سربازان خارجی تا زمانی که هنوز تهدیدهای بیرونی متوجه افغانستان است، به عنوان یک ضرورت شناخته می‌شود و باید در این راستا آگاهانه و مسوولانه گام برداشت. افغانستان تجربه روزهای سخت جنگ داخلی را دارد؛ آن روزهایی که جامعه جهانی این کشور را به دست فراموشی سپرد و متأسفانه بدترین و تلخ‌ترین روزها برای شهروندان کشور شدند.

تکرار تاریخ به هیچ صورت و شکلی نباید اتفاق بیفتد و آنانی که هنوز عامل

کاخ سفید در حال ارزیابی وضعیت امنیتی افغانستان است تا بر اساس آن، در استراتژی‌های این کشور در قبال افغانستان و منطقه تغییراتی رونما شود. بر همین اساس، جمیز ماتیس وزیر دفاع جدید امریکا برای نخستین بار پس از گرفتن این سمت به کابل می‌آید تا از نزدیک با مقام‌های کشور و فرماندهان و نیروهای ناتو دیدار و گفت‌وگو کند.

بر اساس اطلاعاتی که کاخ سفید در اختیار رسانه‌ها قرار داده، هدف سفر وزیر دفاع، بررسی وضعیت جنگ در افغانستان است تا بر اساس آن، این کشور به افزایش نیروهای خود اقدام کند.

پیش از این، جنرال جان نیکلسون فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان که در کنگرس امریکا صحبت می‌کرد، از زمام‌داران تازه کاخ سفید خواست که برای مقابله با تهدیدهای امنیتی در افغانستان، نیروهای خود را افزایش بخشند. جنرال نیکلسون دلیل چنین درخواستی را افزایش سطح تهدیدها در افغانستان عنوان کرد و گفت که اگر جلو تهدیدهای امنیتی در این کشور گرفته نشود، احتمال این‌که گروه‌های تروریستی بازم موفق به انجام حملات در کشورهای غربی شوند، زیاد است.

در حال حاضر، کاخ سفید تصمیم به اعزام نیروی بیشتر به افغانستان نگرفته، ولی وزیر دفاع این کشور گفته که رییس‌جمهوری امریکا منتظر ارزیابی‌های او از وضعیت افغانستان برای گرفتن چنین تصمیمی است. فراموش نباید کرد که در دو سال گذشته با کاهش نیروهای خارجی در افغانستان، نه تنها سطح تهدیدهای امنیتی کاهش نیافته، بل گروه‌های شورشی با دست بازتری به حملات‌شان به شهرها و مناطق عمده ولایات ادامه داده‌اند. پیش از این، گروه‌های شورشی با بهانه قرار دادن حضور سربازان خارجی در افغانستان، ادعا می‌کردند که با رفتن این نیروها زمینه گفت‌وگوهای صلح فراهم می‌آید. همین حالا نیز برخی گروه‌ها و جناح‌ها هنوز فکر می‌کنند که دلیل اصلی جنگ‌ها در افغانستان، حضور

## سخن‌ماندگار

برخورد دوگانه

با افراد ملاتره خیل و جنرال دوستم

روز گذشته همه مسیرهای منتهی به خانه جنرال دوستم در کابل، به محاصره نیروهای نظامی دولتی درآمد. وضعیت امنیتی به حدی شدید و احضارات فوق‌العاده شده بود که در همه کوچه‌های منتهی به خانه جنرال دوستم، واسطه‌های نظامی و نفرات نقاب‌پوش مسلح استقرار داشتند. دهن دروازه منزل جنرال دوستم و برخی از افراد خاص او نیز نفرات مسلح دولتی و وسایل نظامی استقرار یافته بودند. این وضعیت، به راه‌بندان شدید منجر شد و عبور و مرور را بر مردم کابل بسیار دشوار ساخت. این‌که دلیل این حضور سنگین امنیتی در اطراف خانه جنرال دوستم و مسیرهای منتهی به سرک‌های شیرپور در کابل چه بود، به‌طور رسمی معلوم نشده است؛ اما قراین نشان می‌دهد که حکومت به‌خصوص ریاست‌جمهوری به جنرال دوستم ضرب‌شستی نشان داده و این پیام را منتقل کرده است که نمی‌تواند از کابل تکان بخورد! البته گفته می‌شود که جنرال دوستم هم صدها مرد مسلح را با خود به کابل انتقال داده است تا در برابر هر برنامه احتمالی از جانب دستگاه‌های حکومتی ایستاده‌گی کند. آقای دوستم، اختلاف‌نظرهایی بر سر مسأله قدرت و صلاحیت‌های معاون اول ریاست‌جمهوری با غنی دارد و نیز قضیه ایشجی و ادعای او مبنی بر تجاوز گروهی جنسی از جانب محافظان جنرال دوستم و حتا خود او، برای جنرال تبدیل به یک پرونده و غایله بزرگ شده و دادستانی کل کشور هم تا جایی این مسأله را به پیش برده است.

به هر رو، محاصره اطراف خانه جنرال دوستم به هر دلیلی که باشد، فضا را بر مردم کابل پُر از رعب و وحشت ساخته است؛ زیرا آنانی که از دیروز کابل خاطرات تلخ دارند و جنگ‌های کوچک به کوچ‌ها را میان گروه‌های مختلف در برابر دولت وقت تجربه کرده‌اند و یکی از این طرف‌ها جنرال دوستم بوده است، بازگشت به گذشته کابوس شب‌های‌شان می‌باشد؛ و مسلما ضرب‌شست نشان دادن به آقای دوستم، آن‌هم در ازدحام کابل، مشکلات و آسیب‌های کلانی را می‌تواند به دولت و مردم وارد کند.

از طرف دیگر، یک روز قبل از این رویداد، کابل شاهد یک رویداد بسیار وحشتناک دیگر بود. گروهی از افراد متعلق به ملاتره خیل، یکی از نماینده‌های کوچی‌ها در مجلس، پس از یک مشاجره لفظی با پولیس، سه موتر رنجر پولیس را در نزدیکی دانشگاه کابل آتش زدند و خود به مکان‌های امن‌شان رفتند و کسی هم قضیه را پیگیری نکرد. نشر این خبر در شبکه‌های اجتماعی، بازتاب وسیعی یافت و مردم را در این شرایط، بیشتر دچار تشویش کرد و نشان داد که دولت ما تا چه پیمانانه در برابر افراد غیرقانونی و مسلح و زورگویی متعلق به یک تیم انتخاباتی، بزدلانه عمل می‌کند. اگرچه حوادث این چنینی را ما بارها شاهد بوده‌ایم.

با این حساب، پانزده سال از حکومت‌داری با حضور و حمایت جامعه جهانی سپری می‌شود، اما بازم ثبات نیم‌بند موجود در کشور به‌شدت توسط چند فرد می‌تواند فرو بپاشد. بدمعاشی‌های نفرات ملاتره خیل نشان از آن دارد که دولت نمی‌تواند در مرکز شهر، امنیت پولیس را در برابر افراد شرور متعلق به یک نماینده مجلس بگیرد، چه رسد به این‌که معاون ریاست‌جمهوری که رهبری یک قوم بزرگ و شریف را به عهده دارد، در مقابل دولت موضع بگیرد و یا هم دست به عملی خلاف قانون بزند. یقینا ترساندن دیروز جنرال دوستم از طرف ارگ و بی‌توجهی به آتش زدن موترهای پولیس توسط افراد ملاتره خیل نشان داد که ارگ و نهادهای امنیتی در برابر اشخاص، سیاسی و گزینشی عمل می‌کنند و یک بام و دو هوا دارند. این نوع برخورد در کنار سایر تأثیرات و تبعاتی که دارد، فرهنگ ترسیدن از قانون و بی‌بندوباری را بیشتر ترویج می‌کند.

اکنون انتظار این است که دولت به‌جای ایجاد ترس و هراس در کابل و اطراف خانه جنرال دوستم، طبق قانون و موازین حقوقی و مدنی با قضا با برخورد کند و نیز لازم است که مسأله آتش زدن موترهای پولیس توسط نفرات ملاتره خیل، با قاطعیت پیگیری شود و مسببان آن به پنجه قانون سپرده شوند.

## وزیر دولت در امور رسیده گی به حوادث:

# برای مبارزه با حوادث طبیعی برنامه ملی تدوین می شود

اند تا سطح خطرات و آسیب های حادث طبیعی با استفاده از ظرفیت محلی در افغانستان کاهش یابد.

او تطبیق چارچوب "سندای" را در افغانستان مهم خواند و تاکید ورزید که اگر این چارچوب درست عملی شود، خطرات حوادث طبیعی، در افغانستان نیز به صورت چشم گیری کاهش خواهد یافت.

از سویی هم، نوریجهان موانی نماینده دیپلماتیک نهاد آقاخان در افغانستان، نیز گفت که کمک های موسسه آغا خان برای کاهش آسیب پذیری و همکاری به آسیب دیده گان در افغانستان کار می کند و باید در راستای کاهش خطرات حوادث طبیعی در افغانستان سرمایه گذاری بیشتر صورت گیرد.

بانو موانی این نشست را فرصتی برای افغانستان خواند که بتواند با ترتیب سند ملی، خطرات حوادث طبیعی را کاهش دهد.

هم اکنون حدود ۲۰۰ موسسه خیریه برای کمک رسانی به آسیب دیده گان ناشی از حوادث طبیعی در افغانستان کار می کنند.

چارچوب کاهش خطرات حوادث طبیعی برای سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ در سومین نشست سازمان ملل در شهر "سندای" کشور جاپان در سال ۲۰۱۵ تصویب شد و به همین دلیل به چارچوب "سندای" معروف است. در این چارچوب چهار اولویت "آگاهی دهی قلی از ضروریات هنگام وقوع حوادث، هشدارهای قلی از احتمال حوادث، مدیریت حوادث و کمک رسانی به منظور کاهش خطرات حوادث طبیعی تعریف شده است".



تا مدیریت برای مبارزه با حوادث ایجاد شود و برنامه آگاهی دهی برای کاهش خطرات آن راه اندازی شود.

همچنان، ایستر کویش لاروش رییس کلستر یونسکو در تهران، در این نشست گفت: حوادث طبیعی بر اقتصاد مردم محلی آسیب جدی می رساند و به همین دلیل یونسکو کارهای را در راستای کاهش خطرات حوادث طبیعی در کشورهای دیگر انجام داده و به نتایج خوبی دست یافته است.

خانم لاروش افزود: یونسکو و نهادهای دیگر بین المللی در رابطه به کاهش خطرات حوادث طبیعی، گارگاه های آموزشی را راه اندازی کرده

بتر به حوادث در کشور نیاز به برنامه ملی است، این مسوولیت ما است. یکی از دلایلی که اوضاع در برخی از کشورها بحرانی می شود، بی برنامه گی نهادهای توسعه یی است. در حالی که نهادهای توسعه یی باید در عرضه خدمات تلاش بیشتر را به خرج دهند.

آقای برمک خاطر نشان کرد که حکومت در ۱۵ سال گذشته برای رسیده گی به قربانیان حوادث طبعی ناکام عمل کرده است و ظرفیت های که در این عرصه وجود داشته اند، عمل کرده قابل ملاحظه نداشته اند.

او بیان داشت که در حال حاضر، وزارت دولت در امور رسیده گی به حوادث تلاش می کند

نشست مشترک سازمان همکاری های اقتصادی منطقه یی (ایکو) و سازمان ملل با وزارت دولت در امور رسیده گی به حوادث، در مورد ارزیابی کاهش خطرات حوادث طبیعی در افغانستان، دیروز سه شنبه (۳ جدی) در کابل برگزار شد. در این نشست، چگونگی کاهش خطرات حوادث طبیعی و استفاده از تجربیات کشورهای منطقه در کاهش خطرات حوادث در افغانستان، مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت.

ویس احمد برمک وزیر دولت در امور رسیده گی به حوادث در نشست مشترک سازمان همکاری های اقتصادی کاهش خطرات حوادث برای افغانستان، گفت: در حالی که سطح آسیب پذیری از حوادث طبیعی در افغانستان ۹۹ درصد است و ۶۰ درصد جغرافیای کشور در معرض زلزله قرار دارد، بنا برای ایجاد سیستم مدیریت حوادث طبیعی در کشور استفاده از تجربیات کشورهای منطقه (آسیا پسیفیک) در افغانستان موثر تمام خواهد شد.

آقای برمک افزود که این بر دولت افغانستان است تا چگونه برای مردم مصونیت از خطرات حوادث طبیعی ایجاد می کند. در حالی که تغییرات اقلیمی ۶۰ درصد افغانستان را تهدید می کند. این برای دولت افغانستان بسیار مهم است تا راهبردی را روی دست داشته باشد. به گفته او، سیلاب های فصلی و برف کوچ ها در سال گذشته جان بیش از ۲۰۰ تن را گرفتند؛ اما دولت با تمام تلاش ها برای کاهش تلفات حوادث طبیعی هنوز موفق نبوده است.

وزیر دولت در امور رسیده گی به حوادث، بایان این که جنگ در ۱۱ ولایت کشور و اتفاق حوادث در برخی ولایات دور دست، تلفات زیاد بجا گذاشته است. اما، این کار در برخی اوقات از نظر رسانه ها پنهان مانده اند.

او گفت که وزارت دولت در امور رسیده گی به حوادث در نظر دارد تا مبارزه ملی را برای کاهش تلفات ناشی از حوادث طبیعی را راه اندازی کند تا در نجات حیات انسان ها همه دخیل باشند. در صورت توجه نکردن به این مسأله تهدید بیشتر متوجه مردم خواهد شد. آقای برمک اذعان داشت که برای رسیده گی

## فعالان مدنی:

# روند اصلاحات انتخاباتی مبهم است

### هارون مجیدی

شماری از فعالان مدنی با انتقاد از مبهم بودن اصلاحات انتخاباتی وعده داده شده از سوی مسوولان حکومت وحدت ملی می گویند، عمل کرد حکومت برای آوردن اصلاحات انتخاباتی کم رنگ است که این مورد بی اعتمادی میان شهروندان را بیشتر از پیش می سازد.

فعالان مدنی از مسوولان حکومت وحدت ملی می خواهند تا هر چه زودتر تقویم برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را اعلام و برنامه های را برای توزیع کارت های جدید رأی دهی و اصلاحات بیشتر روی دست گیرند. فعالان مدنی، آوردن اصلاحات در ساختار و قوانین انتخابات، مشخص شدن فهرست رأی دهنده گان، توزیع کارت های جدید رأی دهی، تغییر کارمندان اداری کمیسیون انتخابات و شکایات انتخاباتی و در نظر گرفتن کارشویه یی برای انتقال آرا را از کارهای بنیادی برای آوردن اصلاحات انتخاباتی می شمارند.

این فعالان مدنی زیر چتر گروه تماس دیروز (سه شنبه، ۳ حوت) در یک نشست خبری، از تعلل حکومت در امر برگزاری انتخابات پارلمانی ابزار نگرانی کرده و خواستار برگزاری هر چه زودتر انتخابات پارلمانی شدند.

الطاف یوسفی، یکی از اعضای این گروه گفت که ما اصلاحات را تنها در گرو تغییر کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی نمی دانیم و نیاز است تا این اصلاحات در لایه های مختلف عملی شود.



او گفت که هرگونه بی توجهی به پروسه انتخابات، بی باوری مردم را نسبت به مدیران حکومت کنونی افزایش می دهند.

احسان حکمت، عضو دیگر گروه تماس می گوید: شماری از شهروندان افغانستان که واجد شرایط رأی دهی هستند، کارت رأی دهی ندارند و این موضوع نیز نگران کننده است. این فعال مدنی، از سران حکومت خواست که بدون کدام تعلل کارت های کهنه انتخاباتی

این فعالان مدنی گفت: تا هنوز نه تنها کمیسیون های انتخاباتی بلکه حکومت و جامعه جهانی هیچ نوع تلاشی را برای آوردن اصلاحات عملی نکرده اند.

به باور او، وجود کارت های بی شمار از انتخابات های پیشین و استفاده از آن در انتخابات پیشرو، زمینه را برای تقلب بیشتر فراهم می کند و بار دیگر مانع شفافیت شده و انتخابات زیر پرسش خواهد رفت.

را باطل اعلام کرده و کارت جدید را برای شهروندان افغانستان توزیع کرده و شناس نامه ها را برقی سازند.

در این حال، بانو منیژه رامزی عضو دیگر این گروه می گوید: با گذشت دو سال از عمر حکومت وحدت ملی، تا هنوز اصلاحات نظام انتخاباتی به وجود نیامده است و برگزاری انتخابات در حال ابهام قرار دارد.

او بیان داشت که شهروندان و فعالان مدنی خواهان آوردن بی درنگ اصلاحات اند. عبدالناصر فولاد، عضو دیگر این گروه می گوید: سران دولت با تعلل که دارند نشان می دهد که ما شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هم نخواهیم بود.

اعضای گروه تماس در آخر این نشست با پخش خبرنامه یی گفتند که به باور گروه تماس مشخص نشدن زمان برگزاری انتخابات وضعیت انتخابات پیشرو را مبهم و شهروندان را در ابهام قرار می دهد.

در این اعلامیه آمده است: ما از کمیسیون مستقل انتخابات می خواهیم، هرچه زودتر زمان دقیق برگزاری انتخابات آینده را مشخص سازند تا نامزدان جوان برای حضور در پارلمان آینده آماده گی های لازم را اتخاذ کنند.

بعد از گذشت چند هفته، تا هنوز هم سرنوشت ریاست دبیرخانه کمیسیون انتخابات روشن نیست و برنامه جامعی نیز از مصارف برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی، وجود ندارد. تعلل در گزینش چهره تازه به عنوان رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات، نارضایتی هایی را در پی داشته و نهادهای ناظر انتخابات و شماری از جریان های سیاسی از بی پروایی در این زمینه انتقاد کرده اند.

قرار بود تا انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در بین تابستان و خزان امسال برگزار شود، اما به دلایل زیادی هم چون گزینش کمیشنران جدید و نبود بودجه برای برگزاری انتخابات این کار صورت نگرفت.

# «پس بنگاله چه می شود؟»

## به مناسبت روز جهانی زبان مادری



اکرام اندیشمند

در سال ۱۹۴۸ محمدعلی جناح بنیان‌گذار پاکستان و نخستین فرماندار این کشور در شهر داکه، زبان اردو را تنها زبان رسمی کشور نو تشکیل پاکستان اعلان کرد. محصلین بنگالی با فریاد "نه! نه! پس بنگالی چه می‌شود؟"، نسبت به این قضیه واکنش خشم‌آلودی نشان دادند. در فبروری سال ۱۹۵۲ که خواجہ نظام‌الدین جانشین جناح، بر رسمیت زبان اردو تأکید کرد و از زبان بنگالی سخن نگفت، محصلان بنگالی به خیابان‌های داکه ریختند و باز فریاد "نه! سر دادند" اما این بار پولیس به روی محصلان آتش گشود و خون اولین قربانیان زبان مادری، خیابان داکه را سرخ کرد. هرچند دولت پاکستان چهار سال بعد (۱۹۵۶) رسمیت زبان بنگالی را در پاکستان شرقی پذیرفت، اما خون محصلان بنگالی، جدایی پاکستان شرقی یا بنگال را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود.

بنگالی‌ها پس از تشکیل کشور مستقل بنگله‌دیش، از سازمان ملل متحد خواستند که روزی را "روز جهانی زبان مادری" بنامد. این پیشنهاد پذیرفته شد و روز بیست‌ویکم فبروری از سوی ملل متحد و سازمان میراث فرهنگی وابسته آن یونسکو، روز زبان مادری نام یافت. این روز را بسیاری از گوینده‌گان زبان‌های مختلف به عنوان روز زبان مادری، بزرگداشت می‌کنند و بر سر حفظ و انکشاف زبان مادری، به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند.

قانون تاجیکان و فارسی‌زبانان مقیم بریتانیا این روز را طی همایشی در شهر لندن تجلیل کردند و بر سر دیروز و امروز زبان فارسی یا دری در افغانستان سخن گفتند. من (نگارنده) یکی از سخنرانان این همایش بودم که نگاه کوتاه و اجمالی‌یی بر چالش‌های زبان فارسی دری در افغانستان داشتم که اینک فشرده آن بحث را تقدیم خواننده‌گان می‌کنم:

«زبان فارسی و یا به‌صورت رسمی و دولتی، زبان دری در افغانستان با این چهار ویژه‌گی، اهمیت و اعتبار می‌یابد:

- ۱- یکی از ده زبان باستانی دنیا است؛
- ۲- دومین زبان مهم و بااعتبار در جهان اسلام و در فرهنگ و تمدن تاریخی اسلام است؛
- ۳- زبان فارسی یا دری در افغانستان، زبان فراقومی، زبان مشترک تمام اقوام، زبان تفاهم و وحدت ملی است؛
- ۴- زبان فارسی در افغانستان، میراث مشترک تمام اقوام افغانستان اعم از تاجیک‌ها، پشتون‌ها، ازبک‌ها، هزاره‌ها، بلوچ‌ها و غیره است. در انکشاف و گسترش زبان فارسی طی هزارهٔ دوران اسلامی، تمام اقوام افغانستان و اقوام حوزهٔ بزرگ تمدنی این زبان از آسیای صغیر تا آسیای جنوبی و از آسیای مرکزی تا سواحل بحیرهٔ کسپین و بین‌النهرین در خاورمیانه، و تمام سلاطین و زمامداران این اقوام نقش داشته‌اند. در انکشاف و گسترش زبان فارسی حتی بیشتر از تاجیک‌ها، ازبک‌ها، ترک‌ها و پشتون‌های

حکومتگر در جغرافیای افغانستان امروز و شبه‌قارهٔ هند نقش ایفا کردند. شمار کثیری از شاعران، نویسندگان، عالمان و فاضلان عرصهٔ ادب، فرهنگ و عرفان اسلامی معروف زبان فارسی از این اقوام هستند. بنابراین، زبان فارسی به عنوان زبان مشترک، افتخار مشترک و میراث مشترک تاجیک‌ها، پشتون‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها و همهٔ اقوام افغانستان است.

این ویژه‌گی‌ها باید عامل و انگیزهٔ جمعی جامعه و دولت افغانستان در تقویت زبان فارسی می‌شد؛ اما سوگ‌مندانه برعکس، زبان فارسی در یک سدهٔ اخیر با چالش‌های سیاسی ناشی از سیاست نامهربانانه، تبعیض‌آمیز و غرض‌آلود دولت‌ها و برخی زمامداران افغانستان به گونهٔ پیوسته و سیستماتیک روبه‌رو گردید:

### محمود طرزی و نخستین چالش سیاسی زبان فارسی

چالش سیاسی زبان فارسی در افغانستان از زمانی آغاز شد که محمود طرزی (۱۹۳۳ - ۱۸۶۵م) مدیر جریدهٔ سراج‌الاجبار در سلطنت امیر حبیب‌الله و وزیر خارجه در سلطنت امان‌الله خان، زبان فارسی را در افغانستان، زبان عاریتی و یادگار حکومت ایران در سلطنت احمدشاه درانی خواند و در سراج‌الاجبار نوشت: «ما را ملت افغان، و خاک پاک وطن عزیز ما را افغانستان می‌گویند. چنانچه عادات، اطوار، اخلاق مخصوص داریم؛ زبان مخصوصی را نیز مالک می‌باشیم که آن زبان را "زبان افغانی (پشتو)" می‌گویند».

مسئله نظریات و اظهارات طرزی در مورد زبان فارسی در افغانستان نادرست، غیرعلمی و دور از واقعیت‌های تاریخی این زبان بود. برخلاف دیدگاه طرزی، زبان فارسی دری از این سرزمین و از خراسان عصر اسلامی و جغرافیای افغانستان به سوی کشور فارس و ایران امروز رفت و سلاطین مختلف این سرزمین در عهد خراسان اسلامی از امرای طاهری و صفاری تا سلاطین سامانی و شاهان غزنوی، غوری، تیموری، خوارزمشاهی، سلجوقی، شیبانی، لودی، سوری، بابری و درانی از تخارستان و بلخ و از غزنه و هرات به سوی مغرب و مشرق تا مرزهای چین و دهلی و بنگال در شبه‌قارهٔ هند، زبان فارسی را گسترش دادند. اما محمود طرزی با این برداشت و دیدگاه اشتباه و غرض‌آلود، بذر سوءظن و بی‌مهری را در برابر زبان فارسی در ذهنیت و افکار سیاست‌مداران نظام حاکم سیاسی افغانستان کاشت و این زبان تاریخی و تمدنی همه‌گانی سرزمین ما را در معرض چالش‌های سیاسی، سیاست حاکم قرار داد.

### صدر اعظم سردار محمدهاشم خان و زبان فارسی

پس از طرزی و دوران سلطنت امان‌الله خان، در سال‌های سلطنت محمدهاشم‌شاه به‌خصوص در صدارت سردار هاشم خان، با زبان فارسی برخورد سیاسی شد. در ۱۲ حوت ۱۳۱۵ خورشیدی (سوم مارچ ۱۹۳۷) از

ویژه دولتی و ملی در جهت انکشاف و تقویت زبان‌های رسمی خود هستند؛ اما شاید افغانستان یگانه کشوری محسوب شود که با داشتن دو زبان رسمی، تنها یک زبان آن در بسیاری از سال‌های قرن بیستم از امتیاز انجمن رسمی انکشاف زبان برخوردار بوده و زبان فارسی یا دری در محرومیت از چنین نهاد دولتی و رسمی به‌سر می‌برد. برخی از زمامداران افغانستان در نیم سدهٔ اخیر در رویکرد معطوف به این برداشت و دیدگاه نادرست که تضعیف زبان فارسی به تقویت زبان پشتو می‌انجامد، سیاست فارسی‌ستیزی در پیش گرفتند. این سیاست به نوعی از تنش و بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه و به‌خصوص میان اهل سیاست و نخبگان باسواد و تحصیل‌یافتهٔ قومی و زبانی دامن زد. گفت‌وگوهای پُرتنش در پارلمان دوران سلطنتی و گاهی در محیط تعلیم و تحصیل بر سر زبان فارسی و پشتو ناشی از این سیاست رسمی و دولتی بود. تبعات دیگر سیاست بی‌اعتنایی در برابر فارسی یا دری به عنوان زبان رسمی و سیاست‌های فارسی‌ستیزانهٔ زمامداران، حتی به گسترش زبان پشتو در کشور صدمه رساند. در حالی که دولت می‌توانست با سیاست متوازن و عادلانه در جهت انکشاف و تقویت دو زبان رسمی پشتو و فارسی، بستر مساعدی را برای تعمیم زبان پشتو و یادگیری این زبان هموار کند. جلوگیری از حضور زبان فارسی در نمادهای ملی و دولتی

دولت‌های افغانستان به‌خصوص برخی از زمامداران و چهره‌های مقتدر حاکمیت‌ها با سیاست فارسی‌ستیزی، تدریجاً فارسی‌ستیزی خود را در طرد زبان فارسی یا دری به عنوان زبان رسمی افغانستان از نمادهای ملی و دولتی به نمایش گذاشتند: در سرود ملی، بانک‌نوت، اسناد رسمی دولتی چون تذکره یا شناس‌نامهٔ تابعیت، گذرنامه، اسناد ملکیت‌ها، رتبه‌های نظامی برای ارتش، القاب علمی برای استادان دانشگاه و غیره. این، یک تبعیض آشکار، غیرعادلانه و غیرقابل توجیه در مورد زبان فارسی دری، زبان مشترک تمام اقوام و جوامع قومی افغانستان است که دولت پسا طالبان با شدت بیشتر از گذشته به این تبعیض ادامه می‌دهد.

### چالش‌های خارجی

زبان فارسی تنها با چالش سیاسی داخلی روبه‌رو نیست؛ چالش سیاسی خارجی در برابر زبان فارسی در افغانستان پیوسته یکی از چالش‌ها در سده‌های اخیر است. نقش روس‌ها و انگلیس‌ها در تضعیف زبان فارسی به‌صورت کل در منطقه طی سده‌های ۱۹ و ۲۰ موضوع ناآشکار و پوشیده محسوب نمی‌شود. آن‌ها مانند دو تیغهٔ یک قیچی، زبان فارسی را در آسیای میانه، شبه‌قارهٔ هند و جنوب آسیا قطع کردند. امروز نیز که تمام رسانه‌های غربی به زبان فارسی در تلویزیون و رادیو برنامه پخش می‌کنند، از صدای امریکا تا صدای آلمان، صدای روسیه، رادیوی آزادی و حتا بی بی سی، سیاست جدایی زبان فارسی را با دو نام فارسی و دری تعقیب می‌کنند و می‌کوشند این جدایی و تفاوت را در یک زبان واحد به نام سه زبان جداگانه معرفی و تثبیت کنند. نقش سیاسی ایران و سیاست دولتی و رسمی آن برخلاف تصور و به‌صورت باور نکردنی، در جهت تضعیف زبان فارسی در افغانستان قابل مطالعه و بررسی است. ایران نه تنها به عنوان یک کشور قدرتمند و ثروتمند منطقه و همسایه برخلاف کشورهای چینی، ترکیه و عربستان که برای تقویت زبان ترکی و عربی با تمام توان و ظرفیت تلاش می‌کنند، یک دالر را در جهت تقویت زبان فارسی در افغانستان هزینه نکرد، بلکه برعکس در موضع رسمی و سیاسی خود موجب تضعیف و تخریب زبان فارسی در افغانستان شد. ایران با سیاست انحصارطلبی در زبان فارسی و در نقش برادر بزرگ غاصب در صدد آن شد تا زبان فارسی را به عنوان یک زبان بزرگ تمدنی منحصراً به جغرافیای سیاسی ایران بسازد و تمام مفاخر تاریخی این زبان و حوزهٔ تمدنی آن را به خود اختصاص دهد. امروز این انحصارطلبی نامنصفانه به گونه‌یی است که ایرانی‌ها مولوی جلال‌الدین محمد بلخی را با تمام مشاهیر علوم و ادب زبان فارسی که در جغرافیای افغانستان متولد شده‌اند، ایرانی می‌دانند و آن‌ها را در سازمان فرهنگی یونسکو به نام خود ثبت می‌کنند.

### چالش‌های علمی و فنی

افزون بر چالش سیاسی، زبان فارسی در افغانستان با چالش‌های علمی و فنی نیز مواجه است. البته بخشی از این چالش از چالش سیاسی ریشه می‌گیرد، اما بخش دیگر ریشه در مشکلات علمی و فنی این زبان دارد که به‌صورت فزاینده بالا می‌رود. چالش‌هایی همچون: شیوهٔ ناقص و نادرست در تدریس و یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان تعلیم و آموزش در دوران ابتدایی و ثانوی مکتب(مدرسه) و حتا دورهٔ تحصیلات عالی، سطح پایین دانش و آگاهی عمومی و حتا اهل سواد و تحصیل‌یافتگان جامعه در مورد زبان فارسی، تنوع در لهجه‌های زبان فارسی و تفاوت میان زبان گفتاری و عامیانه با زبان نوشتاری و ادبی، نفوذ واژه‌های بیگانه و خارجی به‌خصوص زبان انگلیسی در زبان فارسی و فارسی‌زبانان مکتب و دانشگاه خوانده، ناهمگونی‌های املائی و مشکلات دستوری و غیره.

نام صدارت، فرمان تعلیم و آموزش در معارف سراسر افغانستان به زبان افغانی یا پشتو صادر گردید. پس از فرمان متذکره که سردار محمدهاشم به وزارت معارف رسید، زبان پشتو به گونهٔ اجباری به جای زبان فارسی در سراسر افغانستان، زبان تدریس و آموزش تمام مکاتب و مؤسسات تعلیمی قرار گرفت و انجمن ادبی در وزارت معارف به "پشتو توله" یا افغان اکادمی مسمما شد. سپس معضل واحد بودن اجباری زبان تدریس و آموزش در معارف افغانستان پس از پایان صدارت سردار محمدهاشم و آغاز صدارت سردار شاه محمود در سال ۱۹۴۶ میلادی (۱۳۲۵) برطرف شد، اما سیاست سردار هاشم خان و نعیم خان در برابر زبان فارسی، دامنهٔ تنش و تفرقهٔ اجتماعی بر سر زبان را عمیق ساخت.

### قانون اساسی ۱۳۴۳ و چالش زبان فارسی

در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) دورهٔ سلطنت محمدهاشم‌شاه که در ۱۱ فصل و ۱۲۸ ماده به تصویب رسید، نام زبان فارسی به «دری» تغییر یافت. هرچند در مادهٔ سوم قانون اساسی مذکور، دو زبان رسمی دری و پشتو مورد تأیید و تصویب قرار گرفت، اما در فصل سوم زیر عنوان "حقوق و وظایف اساسی مردم در مورد زبان‌های افغانستان"، تنها زبان پشتو به عنوان یگانه زبان ملی معرفی شد. سپس در مادهٔ ۳۵ قانون اساسی نوشته شد که: «دولت موظف است پروگرام موثری برای انکشاف و تقویة زبان ملی پشتو، وضع و تطبیق کند».

تغییر نام زبان فارسی به زبان دری در قانون اساسی ۱۳۴۳ و معرفی زبان پشتو به عنوان یگانه زبان ملی افغانستان و سپس تمایز و تبعیض در تقویت دو زبان دری و پشتو، نخستین چالش مهم در برابر زبان فارسی بود که به‌صورت رسمی و قانونی، سیاست و خطمشی دولت سلطنتی افغانستان را تشکیل می‌داد. این تغییر نام، نه ریشه در ذهنیت و تلقی افکار عمومی داشت و نه مبتنی بر علم زبان‌شناسی و واقعیت‌های تاریخی این زبان بود. بلکه یک عمل عمدی سیاسی برای تضعیف زبان فارسی و ایجاد هویت جداگانهٔ زبانی - تاریخی برای زبان فارسی در افغانستان بود تا ریشه‌ها و رابطه‌های زبان دری با گذشتهٔ این زبان، به عنوان میراث تمدنی که با نام فارسی شناخته می‌شد، قطع شود و زبان دری در افغانستان به عنوان یک زبان دیگر و غیر از فارسی معرفی شود.

### بی‌اعتنایی و عدم مسوولیت دولت در برابر زبان فارسی

زبان فارسی یا زبان دری در قانون اساسی ۱۳۴۳ یکی از دو زبان رسمی معرفی شد، اما دولت هیچ‌گونه برنامه و استراتژی را برای تقویت و انکشاف دری، حتا مطرح نکرد. در حالی که زبان یک پدیدهٔ پویا شمرده می‌شود و باید با تغیر و پیشرفت‌های چشمگیر اجتماعی و فرهنگی دنیای امروز، متحول شود و در مسیر انکشاف و تقویت قرار بگیرد. تمام کشورهای دنیا دارای انجمن‌ها و اداره‌های



# یادداشت شاملو بر ترجمه «دن آرام»

از اول قرار به ترجمه لغت به لغت نبود. من دن آرام را وسیله‌ی رام یافته بودم برای پیش‌نهاد زبانی روایی به نویسنده‌گان فارسی‌زبان. به دلیل آن‌که فضلا بی‌این‌که معلوم باشد مشروعیت فتواشان را از کجا آورده‌اند زبانی به‌کار می‌برند که ربطی به زبان زنده و پویای مردم ندارد. (البته باید ازشان ممنون بود که حساب‌شان را از حساب مردم جدا کرده‌اند. مردم را با آن‌ها کاری نیست.)

من نمی‌پذیرم که کلمات جافتاده‌ی نظیر شمشه و پمه و دمبه و قلمبه و سمله را باید شنبه و پنبه و دنبه و قلنبه و سنبله نوشت و آن‌گاه چون جمع نون ساکن و حرف ب میسر نیست نونش را میم تلفظ کرد. (بگذریم که استادی به قصد محکم‌کاری شکمه را هم شکنه مرقوم فرموده بود!)

من نمی‌دانم چرا و به سود چه چیز باید از کلمات و ترکیبات جافتاده و صیقل خورده‌ی نظیر واسه و هم‌چین و شناسه معرفه‌ی برساخته مردم از قبیل «ه» در کلمات درخته و دختره و شوهره و خانمه چشم پوشید و مثلاً از نوشتن این جمله با همه فصاحت و دلالتش اکراه داشت: «دوتا پسر بچه از کوچه رد می‌شدند که بزرگه دست کوچک را گرفته بود.»

معلوم شد آستاده نه ذوق دارد نه سواد. — ما دوست داریم ببینیم حضرت‌اش این جمله را به انشای خودش چه‌جوری می‌نویسد.

بابت رسم‌الخط باید این نکات را بگویم: تا جایی که امکان داشته حرف ط را به ت تبدیل کرده‌ام زیرا بر این اعتقادم که فارسی هم مثل خیلی از زبان‌های دیگر زبان متجاوز را مصادره به مطلوب کرده است و مثل پاره‌ی زبان‌های دیگر از قبیل مصری در آن غرق نشده است. ط عربی فقط در جاهایی از زبان ما باقی مانده است که تغییرش به معنی درست کلمه لطمه وارد می‌کند. چنان‌که حیات به‌جای حیاط. سؤال این است که مثلاً کلمه ملات چرا باید ملاط نوشته شود، چه رسد به این‌که تهران را طهران بنویسیم!

در فارسی چیزی شبیه حرف ی نداریم که آ تلفظ شود از این‌رو کلماتی چون حتا همه‌جا حتا نوشته شد. ما بر آن نیستیم که در کلماتی چون ساده‌گی و برافروخته‌گی و پله‌کان و جز این‌ها آن‌چه به کاف و گاف تغییر یافته‌های غیرملفوظ است. ما معتقدیم در این ترکیبات حرف «ها» کاربرد دقیق خود را محفوظ داشته آن‌چه به‌صورت حروف کاف و گاف آمده حروف میانجی است که تلفظ دو مصوت پیاپی را تسهیل می‌کند. یعنی میان «ساده» و «ای» می‌نشیند و آن را به صورت اسم مصدر ساده‌گی درمی‌آورد. پس صورت درست نوشتاری این‌گونه کلمات همین است که آمده.

در تقابل زبان روسی و فارسی نکاتی پیش می‌آید که باید پیشاپیش روشن کنیم: قاعده مذکر و مؤنث در زبان روسی حکم می‌کند که نام خانوادگی همسر استبان‌آستاخوف به آستاخووا و نام خانوادگی همسر مه‌له‌خوف به مه‌له‌خووا مبدل شود. البته در فارسی نه چنین قاعده‌ی موجود است نه لزومی دارد که قانون تذکیر و تأنیث زبان دیگری به فارسی تحمیل شود. پس هرچا سخن از زنی به‌میان آمده‌ام او را به‌همان نام خانوادگی شوهرش خوانده‌ایم: (یعنی مثلاً خانم آستاخوف به‌جای آستاخووا) و هر یک صحبت از زنی است که رابطه زناشویی‌اش مطرح نیست نام خانوادگی‌اش را به‌صورت روسی آن آورده‌ایم، چنان‌که مثلاً آنا ایوانووا به‌جای آنا ایوانوف.

درجات نظامی را به صورتی آورده‌ایم که در زمان خدمت افسران قزاق در قشون ایران مرسوم بوده است چنان‌که تاین به‌جای سرباز صفر و وکیل باشی به‌جای سرگروهبان و معین‌نایب به‌جای استوار و سلطان به‌جای سروان و یاور به‌جای سرگرد و غیره. اما معادل‌های امروزی هر درجه‌ی را در زیرنویس مشخص کرده‌ایم چنان‌که اصطلاحات دیگری چون ارکان حرب به‌جای ستاد را.

در آشپزخانه کشاورزان روس و همه قزاقان دن که معمولاً اتاق نشیمن همه‌گانی و کانون اصلی اهل هر خانه است از تنوری سخن می‌رود که هم برای پخت نان به‌کار است هم‌برای طبخ آش، هم در زمستان وسیله گرم کردن آشپزخانه است هم فرازترین گرم‌ترین و دل‌چسب‌ترین جایی که شب‌های سرد و برفی بتوان بستر خود را بر آن گسترند.

من این تمهید فوق‌العاده را که مترجمان به ساده‌گی بخاری نامیده‌اند آتش‌دان نام داده‌ام که شاید کوره هم برای آن معادل ناهنجاری نبود اما به هر صورت از آن‌جا که نه‌اختراعش در بخارا صورت گرفته نه بخار در آن نقشی بر عهده دارد آن را چنین خوانده‌ام. آتش‌دان کوره سربسته‌ی است که از زیر هوا می‌کشد و دودش از جوف دیوار به پشت‌بام هدایت می‌شود. از جلو درچه آهنینی دارد و از اطراف کاملاً مسدود است و چنان‌که گفتم از بالای آن می‌توان به مثابه خوابگاه گرم و نرمی سود برد.

کار قزاق و روس‌جماعت بی‌خواندن و صدا به صدا درافکندن پیش نمی‌رود خواه در مجلس عشرتی باشد خواه در راه‌پیمایی نظامی و جنگی. اما باید متذکر بود این سروده‌ها که معمولاً به صورت هم‌سرایی کاملاً

دقیقی اجرا می‌شود به دو گونه است: بعضی ترانه‌های عامیانه است با لحن محاوره و وزن دخی و بعض دیگر سرودهایی است با بیان ادبی. من کوشیده‌ام در ترجمه ترانه‌ها و سرودها لحن‌شان را کاملاً منعکس کنم. اختلافی که میان ترانه‌ها به‌چشم‌می‌خورد از این‌جا است و نباید پنداشت که هرچا سرود یا ترانه‌ی لحنی را نپذیرفته دست به دامن لحن دیگری شده‌ام. در متن اصلی متأسفانه لایقیدی‌های در حد شلخته‌گی فراوان است. من چون شیوه برگردان به‌اصطلاح «کلمه به کلمه» را اختیار نکرده‌ام هرچا با چنین مواردی مواجه شده‌ام به‌نحوی آن را برطرف کرده‌ام. برای آن‌که کاملاً مشخص شود چه می‌گویم نمونه‌وار به مواردی اشاره می‌کنم:

در کتاب اول مجلد نخست:

۱. خانه موخوف از پشت امبار اطفاییه در میدان (در فصل ۲) به سِر میدان (در فصل اول کتاب دوم) منتقل شده است.
۲. در فصل ۱۳ از سُم اسب‌ها که در گل فرو رفته‌اند جرقه می‌پرد!
۳. در همین فصل از کوچکی چثه اسب فدوت سخن به میان می‌آید درحالی‌که قبلاً تأکید شده است موقع سربازگیری سوار نظام اسب کوتاه‌جسته را نمی‌پذیرند.

در کتاب دوم:

۱. در فصل پنجم قزاق‌ها که به‌خاطر عجله برای آرد کردن گندم خود با غیرقزاق‌ها چنان‌معرکه‌ی راه می‌اندازند پس از فرار غریبه‌ها گندم‌ها را می‌گذارند و «متفرق می‌شوند».
۲. آکسینیا که در انتهای فصل نهم می‌گوید برای بیخ تاق کوبیدن سر شوهر «به هزار زحمت توانستم بفرستم‌اش خانه آنیکه پاسوربازی کند»، غروب روز بعد به شوهره که به قصد بازی عازم خروج از خانه است شکایت می‌کند که: «کی از ورق‌بازی سیر می‌شوی؟»
۳. در فصل ۱۲ با این‌که استپان از صبح هيجان‌زده‌گی آکسینیا و طرف غروب پیچ‌پیچ او باخواهر کاشه‌وی را دیده پس از آگاهی از فرار زن با همه خشم و غیرت‌اش سری به خانه کاشه‌وی نمی‌زند.

در کتاب سوم:

۱. در فصل دوم چاه‌آب که سطل در آن افتاده پس از بگومگوی مختصری که میان گریگوری و درجه‌دار مافوق‌اش صورت می‌گیرد تبدیل به لاوکی چوبی می‌شود که آب‌اش راجوی باریکی تأمین می‌کند.
۲. در فصل پنجم می‌خوانیم «گریگوری دید احساس‌اش از دیدن خارجی‌ها با آن‌چه تومانورها جلو دشمن به‌اش دست می‌داد فرق دارد!» — در صورتی که او نه فقط در هیچ مانوری شرکت نکرده بل‌که با وساطت ارباب‌اش به‌خدمت تمرینی هم نرفته بود!
۳. در فصل هفتم با این‌که نعلبند به دستور اکید فرمانده هنگ دهنه و رکاب‌ها را با قلع سفید می‌کند یکی دو سطر پایین‌تر خود افراد با خاکه آجر به ساییدن آن‌ها مشغول می‌شوند.
۴. در فصل ۱۴ نایب لیست نیتسکی ابتدا به مقصود برزنیگی می‌رسد ولی بعد دوباره او را در میان راه می‌بینیم (که من این اشکال را با افزودن قید «نزدیکی‌های برزنیگی» برطرف کرده‌ام) اما با این‌که تک اسبیه حامل او از کنار لاشه اسبی عبور می‌کند و حتا بین نایب و

پرستار جملات وقت‌گیری رد و بدل می‌شود، وصف لاشه چنان می‌آید که انگار کنارش توقف کرده باشند. چرا که تغییرات نور آفتاب نیز از برق ماشی‌رنگ سم تا سیاه زدن پای حیوان در تاریکی که مستلزم توقف درازی است با جزئیات کامل توصیف می‌شود.

۵. برزنیگی که «مرکز تجاری ناحیه» معرفی می‌شود دهستانی است فاقد راه‌آهن و راه شوسه، و حتا نزدیک‌ترین ایستگاه‌اش با صفت «بی‌اسم و رسم» معرفی می‌شود.

۶. در ابتدای فصل ۱۵ می‌خوانیم که نایب بلافاصله با «جو پُر تحرک جنگ» خو گرفت درحالی‌که شب و روز افسران در جبهه به‌قمار می‌گذرد! (خیلی دقت شود!)

۷. در فصل ۲۲ دشمن چنان محرمانه از برج‌زارها عقب کشیده که هیچ ردی از خود باقی‌نگذاشته و فی‌الواقع باید پذیرفت که از فراز شالی‌زارها پرواز کرده است.

۸. در فصل ۲۳، به‌جای مثلاً این جمله که: «تنها آرزویم دیدن چنان روزی است»، چنین آمده: «من حاضرم قطره قطره خون سرخ‌ام را بریزم که تا آن لحظه زنده باشم!» در کتاب چهارم:

۱. در فصل ۴ گریگوری چشم‌ها را می‌بندد و ... مدت مدیدی بی‌پلک زدن ستاره‌ها را تماشا می‌کند!
۲. در همین فصل قطار نظامی در ایستگاه متوقف مانده است ... دلیل‌اش؟ — متصدی ایستگاه کلید حرکت قطار را «به نظامی‌های کودتاچی» تحویل نمی‌دهد!
۳. در آخرین سطور این کتاب دو بار تأکید می‌شود که جاده به طرف جنوب می‌رود حال آن‌که سوارها عازم شمال شرقی هستند.

در کتاب پنجم:

۱. در فصل ۱۴ سورتبه با شکستن یخ کنار آب‌چاله غرق می‌شود درحالی‌که قبلاً تأکید شده است که آب‌چاله به‌دلیل وجود چشمه‌ها هیچ‌وقت سال یخ نمی‌زند.
  ۲. در فصل ۲۱ مهتاب از درز کرکه‌وی پنجره به داخل می‌تابد. امری که محال است. چون تخته‌های کرکه‌وی از داخل اتاق به سمت کوچه خمیده است.
  ۳. در فصل ۲۶ در حالی‌که قطارهای حامل افراد گارد سرخ خطوط آهن را بند آورده است، هیأتی از گارد سرخی‌ها برای جمع‌آوری سرباز عازم شمال‌اند. — پنداری افراد داخل قطارها دیگر قابل استفاده نیستند! در کتاب ششم:
  ۱. در فصل دوم، آفتاب که پدر مادیان میشکا را درآورده دو سطر بعد در پس ابرهای شیرین‌رنگ زار و نزار مانده است.
  ۲. در فصل هفتم، پاتله مادپانش را که در فصل ۱۴ کتاب پیشین غرق شده است به‌گاری می‌بندد.
  ۳. در فصل هشتم آب یخ‌زده اما دو سطر بعد ده از گرما بی‌حال افتاده و مه نیمروزی زمین داغ را در بر گرفته است.
- در این متن این‌گونه سهل‌انگاری‌ها با تمهیداتی برطرف شده ولی برای مقابله می‌شود به ترجمه‌های دیگر کتاب رجوع کرد.
- در کتاب هفتم:
- در فصل نهم، افراد در جلسه ارکان حزب و در حضور دودارف به‌شکل موهنی تصمیم به اخراج و خلع درجه

و حتا باز گرفتن نشان‌های او می‌گیرند و دودارف چنان ساکت می‌ماند که پنداری این تصمیم‌ها در غیاب او اتخاذ می‌شود! — موضوع به حدی غیرقابل قبول است که من ناچار شده‌ام پیش از مطرح شدن موضوع او را از جلسه بیرون ببرم!

حق همان بود که در تحریر این کتاب مصوبات هیأت اصلاح رسم‌الخط فارسی به‌کارگرفته شود ولی به‌دلایلی از این‌کار چشم پوشیدم که مهم‌ترین‌اش آشنا نبودن اکثر خواننده‌گان با آن مصوبات است و عادت غالب ایشان به رسم خط سابق.

طبیعی‌ست که رسم‌الخط جدید باید از نخستین سال‌های دبستان به‌کودکان آموخته شود و حق این است که خواننده‌گان میانه‌سال از دوباره‌آموزی معذور داشته شوند و قصد من هم این بود که هیچ چیز مانع راحت خواننده شدن این کتاب خاص نشود و بدین جهت از اسراف در استعمال آن مصوبات خودداری کردم.

یکی از مصوبات هیأت این است که مفردات کلمه‌های مرکب جدا از هم ولی چسبیده به یکدیگر نوشته شود: مثلاً کلاب به شکل گل‌آب، نه گل آب.

یا کاشیکار به شکل کاشی‌کار، نه کاشی کار. و غلط‌نامه نویسی به شکل غلط‌نامه نویسی، نه غلط نامه نویسی.

و اما نکته‌ی هم در باب نشانه‌گذاری بی‌اورم: اگر نقطه‌گذاری در متون شعری فارسی ناگزیر است باری در متون غیرشعری بدان هیچ‌نیازی نیست. من جایی نشان داده‌ام که گاه می‌توان جمله‌ی را به تعداد مجذور کلماتی که در آن به‌کار رفته است انشا کرد: مثلاً جمله‌ی پنج کلمه‌ی را دست‌کم می‌توان به بیست‌وپنج‌صورت نوشت که در این حال بی‌گمان یکی از این صور همان است که می‌تواند بی‌دخالیت و هدایت نشانه‌ها به سهولت خواننده شود و برای خواننده مشکلی پیش نیارد. از این قرار می‌شود گفت پاره‌ی از نویسنده‌گان ما سوءاستفاده از علائم نوشتاری را به زحمت کشیدن بر سر سلیس‌نویسی رجحان داده‌اند و بعضی دیگر از کنار نهادن این نشانه‌ها چنان وحشت‌دارند که در جملات روان و بدون پیچ‌وخم نیز از نشانه‌گذاری بی‌مورد خودداری نمی‌کنند. مترجم نوشته است: «گذشته از این‌ها، یک عامل خیلی خیلی مهم هست، که ما فرماندهان باید فوق‌العاده به آن توجه کنیم، و آن، وضع روحی قزاقان مان است.»

ملاحظه می‌کنید که اگر مانعی بر راه سُرراست خواندن این عبارت احساس می‌شود چیزی جز همان حضور نابه‌جای این چهار ویرگول مزاحم نیست. جمله را بی‌توجه به آن نشانه‌ها بخوانید. لطفاً متن حاضر را با توجه به ویرگول‌زدایی زاید از متون نثری فارسی بخوانید و از این‌پس نیز گه‌گاه به‌جای وقت‌گذرانی با حل جدول‌های کلمات متقاطع جملات پُر ویرگول کتاب‌ها و مقالات را با جابه‌جا کردن عناصر سازنده‌شان به فصیح‌ترین صورت ممکن درآرید. یقین داشته باشید طرف چندماه ویراستار درجه یکی از آب درمی‌آید!

## آگاهان روابط بین الملل:

# برخوردها با دستگاه دیپلماسی قومی و سلیقه‌ی است

این وضعیت نشان‌دهنده تجرید سیاسی جناح‌های شریک در حکومت نیز است. آقای سلجوقی با اشاره به این که حضور وزیر خارجه کشور در کنار رییس جمهور در نشست‌های بین‌المللی نشانه قدرت و یک‌پارچه‌گی مردم افغانستان در برابر نامالیقات موجود در عرصه منطقه‌ی بین‌المللی است، خاطر نشان ساخت: "با توجه به شیوه برخورد مسولان حکومت با دستگاه دیپلماسی کشور به بی‌اعتمادی نسبت به کشورمان دست خواهند یافت که در آن صورت افغانستان میدان سیاست را به رقبای خود خواهد باخت."

آقای سلجوقی بر این باور است که افغانستان سیاست متعادل و تعریف شده که بتواند در حوزه منافع ملی افغانستان را به جایی رسانده باشد ندارد که باید امروزه جبران گردد.

هم‌زمان با این، شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید، احضار سفیر و یا یکی از نماینده‌گان افغانستان از سوی وزارت دفاع پاکستان حقیقت ندارد و تنها ارتش پاکستان فهرستی از تروریستان را به سفارت افغانستان در پاکستان ارسال کرده‌اند.

آقای مستغنی می‌افزاید که هم‌زمان با سفر رییس جمهور به نشست مونیخ، صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه افغانستان در یک سفر رسمی تاجیکستان رفته بودند و در کشور حضور نداشتند.

این در حالی است که پیش از این نیز اقدامات غیر متعارف دیپلماتیک از سوی مسولان حکومت وحدت ملی به نمایش گذاشته شده است. چندی پیش محمد حنیف اتمر، مشاور شورای امنیت ملی برای گفت‌وگو در مورد آب‌های افغانستان به ایران سفر کرده بود که مورد انتقاد بسیاری از آگاهان روابط بین‌الملل و سیاسیون کشور قرار گرفت.

آگاهان روابط بین‌الملل به این باور اند که دیپلماسی یک امر تخصصی است و حوزه تخصص خود را دارد، از این رو، مسول امنیتی یک کشور نمی‌تواند غیر از حوزه تخصص خود به مذاکره با کشورهای دیگر بپردازد.

هدف اساسی و نهایی سیاست خارجی کشورها را معمولاً اقتدار، سربلندی و عزت هر کشور و شهروندان آن تشکیل می‌دهد. برای نیل به این مهم دست‌گاه دیپلماسی بین‌المللی کشورها معمولاً سه اصل مهم و بنیادین عزت، عقلانیت و مصلحت را مد نظر دارند، زیرا در این صورت است که می‌توان روابط خارجی را سامان داده و به ثبات در مناسبات بین‌المللی و امنیت پایدار در داخل کشور دست یافت.



روح‌الله بهزاد

دگرگون می‌شود.

این آگاه روابط بین‌الملل بر این باور است که چون حکومت استراتژی مشخصی در عرصه روابط بین‌الملل ندا رد، رفتارها بر اساس سلیقه و سلیقه‌های فردی صورت می‌گیرد و انگیزه‌ها همواره متغیر می‌باشد. آقای واعظی با اشاره به این که دیپلماسی یک امر کاملاً تخصصی است، اظهار داشت: در تمام کشورها ساختارهای دموکراتیک و کشورهایی که براساس رأی مردم به وجود می‌آیند، تلاش می‌کند تا تجربه تاریخی دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران را مکتوب کند و از آن استفاده کنند.

به باور او، دستگاه دیپلماسی در افغانستان باید غیر سیاسی شود. در تمام کشورها دیپلمات‌ها از وظیفه‌شان منفک نمی‌شوند، چون تجارب آنان در عرصه‌های سیاست خارجی خیلی کمک می‌کند.

در عین حال، صالح محمد سلجوقی، نماینده مردم در مجلس نماینده‌گان می‌گوید، بی‌ثباتی و اعتماد قابل توقع میان سیاست‌گذاران افغانستان وجود ندارد تا بتواند منافع ملی افغانستان را در سطح بین‌الملل تأمین کند.

آقای سلجوقی می‌افزاید: عدم حضور رییس دستگاه دیپلماسی افغانستان در نشست‌های مهم بین‌المللی نشان‌دهنده شکاف بزرگ میان شرکای قدرت در افغانستان است، زیرا این حکومت برگرفته شده است از مشارکت سیاسی تیره‌های انتخاباتی بوده است.

این نماینده مردم در مجلس تأکید می‌کند که امروز بی‌باوری رهبران سیاسی افغانستان در حوزه حفاظت از منافع ملی به صورت مشترک، مردم افغانستان را متضرر ساخته است و

برخوردهای سلیقه‌ی در سیاست خارجی سبب شده است تا دستگاه دیپلماسی افغانستان صدمه ببیند.

شماری از آگاهان روابط بین‌الملل و اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که بی‌باوری رهبران سیاسی در حوزه حفاظت از منافع ملی به صورت مشترک، مردم افغانستان را متضرر ساخته است و این وضعیت نشان‌دهنده تجرید سیاسی جناح‌های شریک در حکومت نیز است.

آگاهان این اظهارات را در حالی مطرح می‌کنند که اخیراً گفته‌های مبنی بر عدم حضور وزیر امور خارجه و یا یکی از نماینده‌گان این وزارت در همراهی رییس جمهور در نشست امنیتی مونیخ در آلمان بلند شده است.

آگاهان روابط بین‌الملل هم‌چنان گفته‌اند که حضور سفیر افغانستان در امریکا در نشست مونیخ پرسش‌برانگیز، غیر ضروری و هزینه بر دارد است، زیرا افغانستان در کشورهای مختلف اروپایی سفیر دارد و رییس جمهور می‌توانست یکی از آنان را در این نشست دعوت کند.

محمد واعظی، آگاه روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: سیاست‌گذاری در افغانستان در کل، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی با مشکلات فراوانی روبه‌رو است، زیرا دستگاه دیپلماسی افغانستان در طول پانزده سال اخیر نتوانسته چهره‌های با تجربه و با دانش را در این بخش جذب و از آنان استفاده ببرد کند.

آقای واعظی می‌افزاید: معمولاً سیاست‌گذاری در افغانستان منحصر به یک فرد است و زمانی که رییس جمهور تبدیل می‌شود، تمام دستگاه‌های دولتی با سیاست‌هایش تغییر و

## از عاملان آتش‌زدن رنجرهای پولیس باز پرس صورت گیرد

# تره‌خیل: از طریق رسانه‌ها خبر شدم

روح‌الله بهزاد

روز دوشنبه شماری از افراد خشم‌گین که گفته می‌شود هواداران ملاترخیل یکی از اعضای مجلس نماینده‌گان بودند، دو یا سه موتور رنجر پولیس را در نزدیکی بیمارستان علی‌آباد آتش زدند. شاهدان عینی به روزنامه ماندگار گفته‌اند، زمانی که یک موتور نوع کرولا با سرعت غیر مجاز به هشدار پولیس توجه نمی‌کند، پولیس هم به آنان شلیک می‌کند که در نتیجه، یک تن آنان از پا در می‌آید. اما مسولان در وزارت امور داخله می‌گویند، این حادثه زمانی رخ می‌دهد که حوالی ۴ صبح یک موتور نوع کرولا به هشدار ایست بازرسی پولیس شفاخانه علی‌آباد توجه نمی‌کند و زمانی که پولیس بالای این موتور انداخت می‌کند، یک تن از سرنشینان این موتور کشته می‌شود.

در سوی دیگر، افراد خشم‌گین ادعا دارند که شب گذشته یکی از بسته‌گان آنان، هنگام انتقال بیمارشان به بیمارستان علی‌آباد، مورد تیراندازی پولیس قرار گرفته و به گفته آنان، در این تیراندازی فرد بیمار کشته می‌شود.

آنان هم‌چنان گفته‌اند که به دلیل این که هیچانی بودند، متوجه ایست پولیس نمی‌شوند که در نتیجه هدف تیراندازی قرار می‌گیرند.

نجیب دانش، معاون سخنگوی وزارت امور داخله در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید، افرادی که داخل موتور کرولا بودند ادعا داشتند که بیمار داشتند و می‌خواستند آن را به بیمارستان علی‌آباد ببرند.

آقای دانش با بیان این که تا هنوز بررسی‌ها تکمیل نشده است تا مشخص شود که آیا واقعا سرنشینان موتور بیمار داشتند یا خیر، اظهار داشت: مدتی بعد از این حادثه بسته‌گان کشته شده به محل حادثه جمع شده و دست به آتش زدن موتورهای رنجر پولیس می‌زنند.



شهروندان را نیز در بر داشته است.

شهروندان از حکومت می‌خواهند تا افراد مسلح غیرمسول را خلع سلاح کرده و "آرامش روانی" آنان را باز گردانند.

فرید احمدی، یکی از دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل و از شاهدان عینی می‌گوید، آرامش ما امروز برهم خورد. به دانشگاه دیرتر رسیدم. نمی‌دانم چطور ممکن است، کسانی در روز روشن بیایند و موتور حکومتی که ادعای حاکمیت دارد را به آتش بکشند. سر و ته این حکومت معلوم نیست.

آقای احمدی می‌گوید: "چندبار است خبرهایی به نشر می‌رسد که بسته‌گان یا محافظان آقای تره‌خیل دست به خشونت در برابر شهروندان می‌زنند، اما نمی‌دانم آقای تره‌خیل چه موجودی است که حکومت نمی‌تواند از او در پیوند به این رویدادها بازپرسی کند."

حمدالله، یکی از دکانداران در نزدیکی بیمارستان علی‌آباد می‌گوید، افرادی که به بیمارستان حمله کردند و دو موتور رنجر پولیس را به آتش کشیدند، مسلح بودند.

حمدالله با اشاره به این که تقریباً نیم روز از دکانداری مانده است، می‌گوید، با مشاهده حادثه به این باور رسیده‌ام که اگر طالبان یا هر گروه مسلح دیگر اگر به قصد سقوط و یا تصرف به کابل حمله کنند، کسی نمی‌تواند جلو آنان را بگیرد. وقتی زور حکومت به یک وکیل پارلمان نمی‌رسد، جنازه حکومت را باید خواند.

تحرکات افراد مسلح غیرمسول به هدف ایجاد ناامنی و دیگر مشکلات در افغانستان یک مسأله تازه نیست، بلکه در چند سال گذشته نیز شکایات در مورد آزار و اذیت این گروه‌ها از گوشه و کنار کشور مطرح شده است.

## مشرانو جرگه:

# د مشرف وروستی خرگندونې د افغانستان حقانیت ثابتوي



د افغانستان مشرانو جرگه وایي، د پرویز مشرف خرگندونې د افغانستان د همیشني ادعا چې پاکستان د تروریزم ملاتری دی، په حقیقت بدلوي.

د مشرانو جرگې لومړی مرستیال فرهاد سخي د سې شنبې په ورځ ازادي راډیو ته وویل، پاکستان تل هڅه کړې چې د افغانستان کورنیو چارو کې مداخله وکړي او د خپلو گټو په خاطر د ترهگرو ډلو په واسطه زموږ په هېواد کې جنگ تود وساتي.

ښاغلي سخي زیاته کړه: "پاکستان هېڅ‌کله د افغانستان د خلکو تر څنګ نه‌و او په یو ډول یې غوښتي چې خپلې گټې خوندي وساتي، دوهم دا چې هېڅ‌کله وفادار نه‌و او خبرې یې نړیوالو ته د منلو نه‌دي، ځکه چې په نړیواله کچه د ترهگرو سترې څالي په پاکستان کې دي او نړۍ هم پر دغې موضوع پوهېدلې."

دا په داسې حال کې ده چې د پاکستان پخواني جمهور رئیس پرویز مشرف ویلي چې له ۲۰۰۱ لومړي کال وروسته، پاکستان د افغان حکومت پر ضد، د طالبانو ډلې له سره تنظیم او تجهیز کړي. مشرف د پاکستان ډان ورځپاڼې ته ویلي چې پاکستان د افغانستان د زیان‌مولو لپاره له طالبانو کار اخستی او ده په خبره دا د دې لپاره چې د افغانستان پخواني جمهور رئیس حامد کرزي د هند ملاتړ کاوه او دا کار د پاکستان په گټه نه‌و.

پرویز مشرف دا هم ویلي چې افغانستان کې یې د نیابتي جگړې ملاتړ کړی دی.

مشرف د افغانستان د ملي یووالي حکومت ته اشاره کړې او ویلي یې دي چې له اشرف غني سره باید هر اړخیزه مرسته وشي او دا ځکه چې اشرف غني په سیمه کې د سولې د ټینګښت لپاره وروستی هيله ده. هڅه مو وکړه چې په دې هکله د افغان حکومت نظر ولرو خو دغه حکومت دومره وایي چې دا ډول خرگندونې رسمي نه‌دي، له همدې امله نه‌غواړي چې په اړه یې خبرې وکړي.

اوس مهال چې د کابل او اسلام‌آباد تر منځ اړیکې ټینګلې شوي، دا ډول خرگندونې څه مفهوم بیانولای شي؟

ایا پاکستان له کابل سره د اړیکو رغول غواړي او که غواړي چې په روانو حالاتو کې د نړیوالو ذهنونه بدل کړي؟

په دې اړه د سیاسي چارو کارپوه بشیر بیژن وایي:

"زما باور دا دی چې پاکستان له افغانستان سره د اړیکو په ښه کولو فکر نه‌کوي بلکې د پاکستان هڅې د سیمې او له سیمې څخه بهر نورو هېوادونو ته دي چې لایې گري وکړي او خپلو جنایتونو ته ادامه ورکړي."

د ښاغلي بیژن په خبره د افغانستان خلک باید پوهېږي چې طالبان هم د هېواد په ښه‌گټه فکر نه‌کوي بلکې د افغانستان د خلکو د تباہۍ، بربادۍ او وژنو لپاره هڅې کوي.

دی وایي، په کار ده چې د افغان حکومت مشران هم په هېواد کې د پاکستان د لاسوهنو په اړه نړیوالې ټولنې ته موجود اسناد او شواهد وسپاري څو د افغانستان د خلکو حقانیت ثابت شي.

**فیسبوک نامه**



صابر صابری

**در غیاب عقلانیت گفتاری**

پل ادوارد، نویسنده معروف «دایره‌المعارف فلسفی پل ادوارد» در مقدمه یکی از کتاب‌های فلسفی که آن را ویراستاری کرده است، می‌گوید: "من این مجموعه مقالات فلسفی را ویراستاری کردم تا یک چیز را بفهمانم و اگر آن چیز فهمانده شد، نصف فلسفه فهمیده شده است و آن این است که برای عمیق‌بودن کلام، لازم نیست مبهم سخن بگوییم."

اگر عقلانیت عملی را وجود تناسب میان هدف و وسیله تعریف کنیم، و گفتار را نوعی عمل بدانیم؛ یعنی عقلانیت‌گفتاری را ذیل عقلانیت عملی در بیاوریم؛ در آن صورت باید ابتدا هدف‌مان را از گفتن و نوشتن مشخص کنیم؛ اساساً چرا می‌نویسیم؟

اگر هدف از نوشتن و گفتن، پرده‌برداری از روی عقاید و باورهای خود و انتقال آن به ساحت فهم و درک دیگران است که با طرح و بیان آن می‌خواهیم چیزی را در نگرش و عمل آدمیان عوض کنیم، در آن صورت باید بهترین وسیله را برای تحقق آن هدف به‌استخدام بگیریم؛ یعنی در بیان آرا و عقاید خود از زبان و شیوه بیانی‌یی کار بگیریم که در بهترین و مطمئن‌ترین شکل ممکن، باورها و عقاید‌مان را به آستانه فهم و درک دیگران برساند. متأسفانه آنچه بر زبان و بیان جامعه علمی و روشن‌فکری‌مان حاکم است، تیره‌گی و مه‌آلودگی عجیبی است؛ فضای پُر از ابهام و ایهام؛ به گونه‌ای که در غالب موارد روشن‌فکران ما چندان پروای فهم مخاطب خود را ندارند و مرتب سخنان قلمبه و سلمبه تحویل آن‌ها می‌دهند و آن‌ها را در دنیای از مفاهیم گنگ و ناروشن سرگردان و رها شده می‌گذارند. در گفتگوها و داد و ستدهای زبانی، انبوهی از مفاهیم مبهم و ناروشن را میان هم رد و بدل می‌کنیم بدون آن که معنا و مفهوم واحدی را از آن‌ها مراد کنیم؛ مفاهیمی که دایره حدود و ثغور معنایی آن‌ها روشن نیست.

در یک چنین فضایی ناروشن و مه‌آلودی، متأسفانه آدمی اگر هدیه هم دریافت کند، نمی‌داند از چه کسی دریافت کرده است و اگر هم سلی بخورد باز نمی‌داند از چه کسی خورده است. چه بسا دوستی‌ها و دشمنی‌هایی که به دلیل وجود ابهام و ایهام در مفاهیم، میان ما شکل گرفته است و اگر از آن مفاهیم، ابهام و ایهام‌زدایی شود، دوستی‌های ما بدل به دشمنی و دشمنی‌های ما بدل به دوستی شوند.

**خادم حسین کریمی**



در شهر آوازه است که افراد ملا تره خیل پس از آنکه به هُشدار ایست بازرسی پولیس توجه نکرده‌اند، با واکنش پولیس مواجه شده‌اند. در واکنش به هُشدار پولیس، آنان سه رنجر پولیس را آتش زده‌اند. در پایتخت کشور و نزدیک گوش ارگ و اشرف غنی و اتمر و وزارت داخله و گارنیزون کابل. حالا در یک انتظاری که نتیجه آن از قبل احتمالاً مشخص است، ببینیم واکنش اشرف غنی و نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی حکومت چه خواهد بود.

قریب به چهار ماه پیش، یکی از وابسته‌گان خانواده‌گی ملا تره خیل که می‌گفتند خواهر زاده‌اش بود و تخلص‌اش هم «تره خیل» است، به همراه یک لشکر از افرادش، در دانشگاه کابل، با قلدری و زورگویی، برای دانشجویان و عمدتاً دانشجویان دختر، مزاحمت می‌کرد. درگیری‌های کوچک لفظی، میان این دارودسته و بقیه دانشجویان گاه و بیگاه بالا می‌گرفت. نظر غالب دانشجویان این بود که این مشکل در هماهنگی با ریاست دانشگاه و نیروهای امنیتی، با مدارا و خون‌سردی حل شود. به شخصه، موافق این نوع برخورد بودم. در گیر و دار هماهنگی و گفت‌وگو با ریاست دانشگاه و قوماندانی کیندک حفاظت از دانشگاه برای رسیده‌گی قانونی به این مورد که ظاهراً نتیجه‌یی نداشت و این دو نهاد مسوول هم به دلیل کم‌کاری یا ترس از ملا تره خیل از رسیده‌گی به این مشکل شانه خالی می‌کردند، از قضا، روزی به دلیل مزاحمت و قلدری خواهر زاده ملا تره خیل، میان باند او و دگر دانشجویان درگیری شد. او بیست قلدر وارد دانشگاه کرد و جمال دو صد تا. او با پنجه بوکس آمد و جمال با برچه و تبر. این جناب قلدر و بدماش، به نرخ اعلائی مندوی، لت‌وکوب شد. دستش را شکسته به گردنش آویزان کردند و چند نفر از دوستان همراهش هم در شفاخانه بستر شدند. داستان قلدری خواهر زاده تره خیل در دانشگاه تمام شد و جمال هم که در ادب‌کردن قلدرها دست بالایی داشت، در دهم‌زنگ کشته شد. در سرزمین قلدری و تقابل زور و بدماشی، متأسفانه، خشونت با خشونت در آمیخت و زورگو و قلدر و بدماش، عقب نشست.

در ۲ اسد، تظاهرات مسالمت‌آمیز و دادخواهانه جنبش روشنائی که پیمای از جنس مدنیت و مردم‌سالاری و گل‌ولبختند به همراه داشت، با انفجار پاسخ داده شد. پاسخ گل، گلوله بود. در این سرزمین، مدارا و مدنیت و تسامح و گل‌ولبختند، ظاهراً هزینه‌های سنگینی دارد. هزاره‌بودن هزینه دارد. حتا صحبت از طرح یک مطالبه برحق و دادخواهانه به مدنی‌ترین و مداراجویانه‌ترین شکل ممکن هم هزینه‌یی دارد به بزرگی چسپاندن انگ و مهر قوم‌گرایی. تفنگ باشد و تو باشی و قلدری و ارسال پیام‌های خشونت‌بار از جبهه‌یی به نام کوه و سنگر. به خیابان و دانشگاه و مکتب که سرازیر شدی، پاسخ‌ات گلوله است و چند خروار اتهام از جنس جاسوسی ایران و آشوب‌طلبی و قوم‌گرایی. در این ملک، از جنس ملا تره خیل که باشی، حرمت و امتیاز و امنیت و سهم سیاسی و اقتصادی در حکومت و بودجه و پروژه‌های بزرگ انکشافی و خدماتی، یک‌جا به حساب‌ات واریز می‌شوند. هزاره‌بودن و گذار از خشونت و تفنگ به خیابان و دانشگاه و مداراجویی، هزینه دارد. جاسوس ایران هستی، به قوم‌گرایی دامن می‌زنی، آشوب‌گری هم فقط مال توست. در کمال وقاحت!



**جهان‌نا**

**لاوروف:**

**امریکا مکالمات**

**سفیر روسیه را شنود می‌کند**

وزیر امور خارجه روسیه گفت، سرویس‌های اطلاعاتی امریکا به وضوح به رسانه‌ها اعلام کردند که گاه‌گاه مکالمات سفیر روسیه در امریکا را شنود می‌کنند.

سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به خبرنگاران گفت: درباره رسوایی مربوط به مایکل فلن، مشاور ترامپ باید بگویم که سرویس‌های اطلاعاتی امریکا رسماً، اما ناشناس به خبرنگاران گفتند که ارتباطات و مکالمات "سرگی کسلیاک"، سفیر ما معمولاً شنود می‌شود.

به گفته لاوروف، این شنود شامل "گزارشات او به مسکو درباره فعالیت‌هایش در واشنگتن" می‌شود.

رئیس دستگاه دیپلماسی روسیه همچنین خواستار توجه بیشتر به اقدامات کسانی شد که در سراسر جهان با استفاده از ابزارهایی که قانونی است اقدام به سوءاستفاده می‌کنند.

مایکل فلن ۱۴ فبروری از سمت مشاور امنیت ملی امریکا استعفا کرد. طبق گزارش‌ها، فلن، مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری امریکا را درباره محتوای مکالمات تلفنی‌اش با سفیر روسیه در واشنگتن گمراه کرده بود.

فلن افشای مکالماتش با سفیر روسیه را یک اقدام "مجرمانه" توصیف کرد و تأکید داشت که درباره تحریم‌ها با او صحبت نکرده و مرتکب اشتباهی نشده است.

**یک افسر متهم به کودتای ترکیه:**

**هدف ربایش اردوغان بود**

یکی از مظنونان سوءقصد به اردوغان در شب کودتای ۱۵ جولای در اولین جلسه دادگاه بررسی این پرونده، ضمن اعتراض به اتهامات وارده اعلام کرد، قرار بود در آن شب اردوغان را رباییم.

اولین روز جلسه دادگاه بررسی پرونده ۴۷ مظنون سوءقصد به رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در شب کودتای ۱۵ جولای برگزار شد.

در این جلسه دو تن از مظنونان به نام‌های "گوکهان سوزمن آتش" سرتیپ پیشین ارتش ترکیه و شکری سیمین حضور داشتند و سوزمن آتش اعلام کرد: دستورات لازم را از سمیح ترزی، یکی از مظنونان کشته شده این پرونده دریافت کرده است.

او گفت: من این مأموریت را قبول کردم و اکنون تاوان آن را می‌پردازم. اما ما به دام افتادیم.

گوکهان سوزمن آتش اعتراف کرده است که مأموریت او تنها ربودن اردوغان بوده، نه کشتن او.

همچنین شکری سیمین در دادگاه اعلام کرد: من تنها یک سرباز نظام بودم که وظیفه خود را مبنی بر اطاعت از مقامات نظامی ارشدم انجام دادم.

او با اشاره به فردی به نام "گوکهان پاشا" گفت: او به ما اعلام کرده بود که رئیس‌جمهور باید سالم به گروگان گرفته و ربوده شود. بر همین اساس، هرگونه ادعایی مبنی بر سوءقصد به جان رئیس‌جمهور را رد می‌کنم.

لو با اشاره به درگیری به وجود آمده پس از خروج رئیس‌جمهور ترکیه از هتل‌اش در مارماریس در شب کودتا گفت: در این درگیری بیشتر نیروهای طرف مقابل شلیک می‌کردند. تنها مسأله ناراحت کننده برای من این است که دو تن از نیروهای پولیس شهید شدند.

او اضافه کرد که حاضریم حتا برای انجام وظیفه خود اعدام شوم.

همچنین دومین روز دادگاه رسیده‌گی به این پرونده دیروز (سه شنبه) برگزار شد و دو مظنون دیگر در برابر قاضی این پرونده حاضر شده و به اتهامات وارده پاسخ دادند.

**پاکستان دفتر فروش سلاح در امارات**

**دایر می‌کند**

پاکستان با هدف افزایش فروش محصولات نظامی و دفاعی ساخت این کشور به کشورهای خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، دفتر نماینده‌گی فروش سلاح در امارات متحده عربی دایر می‌کند.

رادوی دولتی پاکستان دیروز سه شنبه گزارش داد که جنرال «عمر محمود حیات» رئیس مجتمع تولید سلاح و مهمات پاکستان (POF) این خبر را در مصاحبه‌یی در حاشیه نمایشگاه بین‌المللی محصولات نظامی و دفاعی در دبی اعلام کرده است. پاکستان در این نمایشگاه حضور فعال داشت.

او گفته است که پاکستان به دنبال افزایش صددرصدی محصولات نظامی و دفاعی ساخت خود به امارات متحده عربی است و نیز به دنبال آن است که تا بازار بیشتری برای فروش و صادرات محصولات نظامی و دفاعی خود در میان کشورهای خاورمیانه و سایر کشورها بیابد.

براساس این خبر، مجتمع تولید محصولات نظامی و دفاعی پاکستان سال گذشته بیشترین صادرات خود را به ارزش یکصد میلیون دلر به عربستان سعودی داشت.

مجتمع تولید تسلیحات پاکستان بیش از ۷۰ قلم محصول مختلف از جمله انواع سلاح سبک و نیمه سبک، فشنگ در اندازه‌های مختلف، تانک، توپخانه، خمپاره انداز، انواع گلوله‌های تانک، توپ و خمپاره و... برای نیروهای هوایی، زمینی و دریایی تولید می‌کند.

پاکستان در حال توسعه توان‌مندی‌های خود در ساخت تسلیحات متعارف و به دنبال بازاریابی برای صدور این محصولات است.

این کشور همچنین با همکاری چین، جنگنده‌های مدل جی.اف-۱۷ تولید می‌کند و به دنبال بازاریابی برای صادرات این محصول است.



**هند، دو بازیکن تیم کرکت**

**افغانستان را خرید**



هند، دو بازیکن تیم کرکت افغانستان را برای رقابت‌های بعدی لیگ برتر هند خریداری کرد.

تیم سنرایزر حیدرآباد برای دور بعدی لیگ برتر هندوستان، محمد نبی عیسی خیل، کپتان پیشین و عضو فعلی تیم ملی افغانستان را مبلغ سه میلیون و راشد آرمان را مبلغ ۴۰ میلیون کلدار هندی خریداری کرد.

این نخستین‌بار است که دو بازیکن تیم ملی افغانستان در این رقابت‌ها اشتراک خواهند داشت. راشد و عیسی خیل گفته‌اند که در این رقابت‌ها هرچه در توان دارند، انجام خواهند داد تا بازی هر چه بهتری را انجام دهند.

آقای عیسی خیل با نشر یک پیام تصویری از تیم سنرایزر حیدرآباد از این بابت اظهار امتنان کرد است. نبی عیسی خیل در این ویدیو گفته است که تلاش خواهند کرد در هند نام افغانستان را بیشتر از این روشن سازند.

هم‌چنان راشد خان گفته است که گزینه‌اش او در چنین رقابت‌های بزرگ مزه‌دهی برای خودش و برای افغانستان است.

لیگ برتر هندوستان به شمول این دو بازیکن، محمد شهزاد محمدی، دولت خُدران و اصغر ستانکزی را نیز به مزایده گذاشت. اما سایر بازیکنان افغانستان خریدار نیافتند. در این لیگ مشهور ترین بازیکن جهان کرکت اشتراک خواهند داشت.

**مدیر عمومی تیم ملی فوتبال:**

**برنامه یک‌ساله**

**تیم ملی فوتبال افغانستان آماده است**



علی‌عسکر لعلی، سرپرست و مدیر عمومی تیم ملی فوتبال افغانستان با اشاره به شناسن زیاد افغانستان برای صعود به جام ملت‌های آسیا گفته است: تمامی برنامه‌های تیم ملی طی یک سال آینده ریخته شده است. علی‌عسکر لعلی، کمک مربی سابق تیم ملی فوتبال افغانستان که سال گذشته به دلیل اختلافات با فدراسیون فوتبال از تیم ملی استعفا داده بود، هفته گذشته به عنوان مدیر عمومی تیم ملی فوتبال افغانستان معرفی شد.

از آقای لعلی حتا به عنوان یکی از نامزدان انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال نیز نام برده می‌شد، اما او ماه گذشته با حضور در یک نشست خبری در فدراسیون فوتبال به صورت رسمی از انتخابات فدراسیون فوتبال کنار رفت و به عنوان سرپرست و مدیر عمومی تیم ملی فوتبال افغانستان معرفی شد.

لعلی که حالا دست بازی در تیم ملی فوتبال افغانستان نیز دارد در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری فارس گفته است که برنامه‌های یک ساله تیم ملی در مسابقات مقدماتی جام ملت‌های آسیا ریخته شده است و او با کادر فنی جدید تیم افغانستان برای صعود به جام ملت‌های آسیا برنامه‌های خاصی را روی دست دارند.

مدرس بین‌المللی فیفا همچنین در خصوص برنامه‌های تیم ملی نیز بیان داشت که ۴ دیدار دوستانه برای تیم ملی در جریان رقابت‌های سال ۲۰۱۷ تنظیم شده است.

او با اشاره به استقلال کادر فنی تیم ملی فوتبال افغانستان بیان داشت: فیستر تصمیم‌گیرنده اول و "آخر در تیم ملی است. او با حمایت از این مربی ۷۹ ساله براین باور است که فیستر کار سختی در فوتبال افغانستان نخواهد داشت و او می‌تواند بهترین گزینه برای هدایت تیم ملی فوتبال افغانستان در آستانه صعود به جام ملت‌های آسیا باشد.

سرپرست جدید تیم ملی فوتبال افغانستان با اشاره به ظرفیت‌های موجود در خصوص مهاجران افغانستانی در ایران نیز اظهار داشت: باید زمینه حضور استعداد‌های مهاجران افغانستان در لیگ ایران مساعد شود تا بتوانیم آنان را جذب تیم ملی کنیم.

# Mandegar

## قرارداد دیزاین پروژه تاپی امضا شد

است که این پروژه منجر به ثبات سیاسی و اقتصادی در تمام منطقه می‌شود. این در حالیست که جنگ در افغانستان جریان دارد و بخش‌هایی از خاک پاکستان نیز ناامن است. در حال حاضر ولایات شمال افغانستان میدان اصلی جنگ است. ولایاتی که قرار است پروژه‌های تاپی و کاسا یک هزار از آن‌ها عبور کنند. هرچند حکومت افغانستان مطمئن است که توانایی تامین امنیت این پروژه‌های بزرگ اقتصادی را دارد ولی در عمل این کار دشوار خواهد بود. قرار داد ابتدایی پایپ لاین گاز تاپی در سال ۲۰۱۴ بین چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند امضا شد. کار عملی پروژه تاپی در سال ۲۰۱۵ در خاک ترکمنستان آغاز شد. در مراسم آغاز کار این پروژه رهبران چهار کشور حضور داشتند و بر عملی شدن آن تاکید نمودند. ناامنی و اختلافات سیاسی بین کشورهای عضو تاپی مانع اصلی تطبیق این پروژه خوانده می‌شود. هرچند رهبران چهار کشور تعهد کرده‌اند که در تامین امنیت و تکمیل این پروژه همکاری کنند، اما چندین گروه مسلح مخالف دولت در افغانستان و پاکستان فعال اند که اگر بخواهند می‌توانند موانع جدی را در برابر تطبیق این پروژه خلق کنند.

که تصدی افغان گاز کارمندان مسلکی و متخصص را برای کار عملی این پروژه آموزش می‌دهد. تکمیل این پروژه ۷،۴ میلیارد دالر امریکایی هزینه دارد و به طول ۱۷۳۵ کیلومتر از ترکمنستان آغاز و به شبکه گاز هند وصل می‌شود. این پایپ لاین از ولایات هرات، فراه، هلمند، نیمروز و قندهار عبور و به پاکستان می‌رسد. این پایپ لاین ظرفیت انتقال ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز در سال را خواهد داشت. در سال اول قرار است برنامه تامین امنیت این پروژه و نهایی سازی موافقتنامه‌ها تکمیل شود. در مرحله دوم ساخت و ساز اساسی پروژه آغاز می‌شود که سه سال را در بر خواهد گرفت. در این پروژه هزاران تن مصروف کار خواهند شد. خانم حبیب یار در این مورد گفت: «پروژه تاپی برای افغانستان دهلیز مهم اقتصادی و تجارتي نیز خواهد بود. زیرا در مسیر پایپ لاین یک تعداد پروژه‌های دیگر اقتصادی مانند پروژه انتقال برق، احداث خط آهن و انتقال فایبر نوری نیز در نظر گرفته شده است.» مراد امانوف، رییس عامل شرکت تاپی در این مراسم گفت که پایپ لاین گاز تاپی علاوه بر مفاد اقتصادی، ملت‌ها را به هم نزدیک می‌کند و منجر به تحکیم صلح و ثبات در منطقه می‌شود. آقای امانوف گفت: «مهمترین مساله این

قرارداد دیزاین پایپ لاین گاز تاپی بین تصدی افغان گاز و شرکت بین‌المللی انجینری امضا شد. پایپ لاین گاز تاپی از ترکمنستان آغاز و با عبور از افغانستان و پاکستان به هند می‌رسد. این قرارداد روز سه شنبه در حضور محمد اشرف غنی رییس جمهور افغانستان، مقامات حکومتی و شماری از نمایندگان پارلمان، در ارگ ریاست جمهوری امضا شد. حکومت افغانستان امیدوار است که با آغاز کار عملی این پروژه، زمینه کار برای هزاران افغان فراهم شود. رییس جمهور غنی بارها تاکید کرده است که تلاش دارد تا این کشور را به مرکز تجارت تبدیل کند. او از کشورهای منطقه نیز خواسته است تا به جای رقابت‌های منطقه‌ای، از فرصت‌های اقتصادی و توسعه‌ای استفاده نمایند. غزال حبیب یار، سرپرست وزارت معادن و پترولیم در این مراسم گفت که کار عملی پروژه تاپی با اشتراک چندین وزارت خانه آغاز خواهد شد: «در مورد آمادگی افغانستان در مورد این پروژه حیاتی، بحث‌ها با ارگان‌های ذیدخل در داخل کشور آغاز گردیده است. مجالس متعدد با وزارت‌های داخله، دفاع، انرژی و آب و سایر نهادها که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در موفقیت پروژه نقش خود را ایفا کنند، تدویر شده است.» سرپرست وزارت معادن و پترولیم افزود

## محاصره خانه جنرال دوستم



برخی منابع گفته‌اند که نیروهای امنیتی به هدف دستگیری شماری از محافظان جنرال دوستم، خانه او را محاصره کرده‌اند.

روز گذشته ده‌ها سرباز ویژه پولیس و ارتش در نزدیکی خانه جنرال دوستم در شیرپور کابل مستقر شدند. اما دفتر دوستم می‌گوید که تا هنوز دلیل استقرار ده‌ها سرباز ارتش و پولیس ملی در اطراف خانه آقای دوستم برای آنان مشخص نیست.

عنايت بابر فرهنگد رییس دفتر جنرال عبدالرشید دوستم می‌گوید که مسوولان ارشد امنیتی از جایجایی نظامیان در اطراف خانه و دفتر کار جنرال دوستم به آنان اطلاعی نداده‌اند.

آقای فرهنگد به رسانه‌ها گفت، تلاش‌های معاونیت اول ریاست جمهوری جریان دارد تا علت اصلی این جایجایی مشخص شود.

در همین حال، گارنیزین کابل اعلام کرده است که نیروهای امنیتی به خاطر محاصره خانه و دفتر کار جنرال دوستم، جایجا نشده‌اند.

وزارت دفاع و امنیت ملی تاکنون در این موارد ابراز نظر نکرده‌اند.

همچنان گزارش شده است که افراد مسلح در کوچه‌های منتهی به خانه معاون اول رییس جمهوری حضور غیرمعمولی داشته و راه‌های منتهی به آن را مسدود کرده‌اند.

این نیروها ساعتی پس از حضور غیر منتظره جنرال دوستم در دفتر کارش در اطراف خانه و دفتر او و همچنین نزدیک محل کار دستیاران ارشدش مستقر شدند.

گفتنی است که برای چند ماه، عبدالرشید دوستم در دفتر کارش حضور نیافته بود؛ اما شامگاه گذشته، منابع نزدیک به او عکس‌هایی از حضورش در این محل را منتشر کردند. برخی از این عکس‌ها او را در حال امضای اسناد دولتی نشان می‌داد.

پیش از این دادستانی کل کشور از عبدالرشید دوستم خواسته بود برای پاسخگویی در مورد ادعای احمد ایشچی، والی پیشین جوزجان و از معاونان سابق آقای دوستم در حزب جنبش ملی اسلامی، به دفتر دادستانی کل حضور یابد.



جمهوری اسلامی افغانستان  
اداره تصفیة کابل بانک  
د افغانستان اسلامي جمهوریت  
د کابل بانک د تصفیة اداره

### اطلاعیه اداره تصفیة کابل بانک

اداره تصفیة کابل بانک در نظر دارد که یک عراده موتر نوع لکسس مدل ۲۰۰۵ خویش را به صورت داوطلبی و مزایده به فروش برساند.

اشخاص، موسسات خصوصی و دولتی خواهش خریداری آن را داشته باشند درخواستی های خویش را از تاریخ نشر اعلان الی ۱۴ روز کاری به دفتر این اداره واقع سرک اول شیر پور تسلیم نموده، شرطنامه و مشخصات را ملاحظه تضمین اخذ می‌گردد.

شماره تماس (۰۷۴۴۵۹۷۲۷۴)